# [فهرست مطالب](#_Toc427664775)

[خطبه اول 2](#_Toc427664776)

[تفسیر سوره ناس 2](#_Toc427664777)

[1. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ 3](#_Toc427664778)

[ویژگی‌های رب 3](#_Toc427664779)

[2. مَلِک النَّاسِ 3](#_Toc427664780)

[3. إِلَهِ النَّاسِ 3](#_Toc427664781)

[4. مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ 4](#_Toc427664782)

[مفهوم وسواس (ایجاد وسوسه) 4](#_Toc427664783)

[مفهوم خناس 5](#_Toc427664784)

[دلیل خناس بودن شیطان 6](#_Toc427664785)

[5. الَّذِی یوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ 6](#_Toc427664786)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# تفسیر سوره ناس

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، مَلِک النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِی یوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ»**

قل اعوذ، پیغمبر اعلام کن با اینکه من پیغمبرم، معصوم هستم، اما باید به خدا پناه ببرم، شما که دیگر معلوم است تکلیفتان.

به چه پناه ببرم؟ به رب الناس، ملک الناس، اله الناس. در سوره فلق یک صف از خدا بود «**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الفَلَق**»[[3]](#footnote-3)، یک رب الفلق بود، از تمام شرور پناه بردیم به یک صفت خدا، چرا؟ برای اینکه شرور خیلی‌هایش بیرونی بود. اینجا چون شرور مربوط به قلب و روح و فکر و مسئله فرهنگی و اعتقادی است، «**یوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ»**، صدور الناس، سینه مردم است، یعنی چون مسئله مسئله اعتقادی است، می‌گوید: **«رب الناس، ملک الناس، اله الناس»**، یعنی برای پناه بردن از مسائل اعتقادی به سه صفت خدا پناه می‌بریم، اما همه شرور بیرونی را پناه به یک صفت می‌بریم؛ همه بدی‌ها یک کفه، بدی اعتقاد هم یک کفه، یعنی همه بلاها، اگر افتاد توی چاه، با یک نخ رب الفلق می‌کشیم بیرون، اما اگر وسوسه در فکر و اعتقاد افتاد با سه تا طناب باید بکشیم بیرون. رب الناس، ملک الناس، اله الناس، خدای مردم، ملک مردم، معبود مردم. اینقدر مسئله فکری و وسوسه‌های فکری مهم است. پیغمبری که معصوم است و زیر نظر خداست، اما باید به خدا پناه ببرد، از «**شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ»**

# 1. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

بگو پناه می‌برم به پروردگار آدمیان.

بگو پناه می‌برم به پروردگاری که تدبیر کل هستی دردست و قدرت اوست و به او تکیه می‌کنم.

# ویژگی‌های رب

1.   رب، ناظر بر جان و فعل و نیات انسان است.

2. امور بندگان و نیاز انسان را در ظاهر و باطن، تدبیر و اندازه گیری می‌کند.

3. انسان را به سوی هدف خود، که همان لقاءالله است، راهبری و هدایت می‌کند.

# 2. مَلِک النَّاسِ

(بگو پناه می‌برم) به ملک مردم. یعنی به آن کسی که حوزه قدرت او،  بیشتر از  وسعت وجود من است.

از آنجا که خداوند مالک وجود من است و مالکیت او یک مالکیت ذاتی است، پس قدرت تصرف فعلی، صفاتی و ذاتی در آن را دارد. لذا تمام وجود من که در برگیرنده اعضاء و جوارح، قوای باطنی و مشاعر من است، در تصرف او می‌باشد و تنها او می‌تواند شر را از من دور سازد.

# 3. إِلَهِ النَّاسِ

(بگو پناه می‌برم به) معبود آدمیان.

ای پیامبر، بگو من به اله الناس پناه می‌برم.

پس ای پیامبر بگو، من با ایمان قلبی به رب، ملک و اله، و ذکر آن‌ها با شناخت و آگاهی، خود را از شر وسوسه‌های شیطان به خداوند می‌سپاریم، زیرا که شیطان با مشغول ساختن ما به لذایذ زودگذر دنیا،  لذت جاودانه را از ما سلب می‌کند. خداوند، آدمی (ناس) را از عدم آفرید و نیاز او را برآورده کرد. سپس خیر و نیکی بسیاری به سوی او روانه ساخت. لذا تنها اوست که استحقاق پرستش را دارد. پس ای پیامبر، خود را به دامن امن او بسپار و در  حریم ربوبیت، الوهیت و مالکیت او قرار گیر تا از شر در امان باشی.

# 4. مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

از شر شیطان (به تو پناه می‌برم) آنگاه که وسوسه می‌کند.

# مفهوم وسواس (ایجاد وسوسه)

وسواس یعنی وسوسه کننده و وسوسه، زینت آلاتی است که ایجاد صدا می‌کنند. نقش شیطان در وسوسه کردن، ایجاد صدا و جذابیت و تداوم در این امر است. شیطان با مداومت در ایجاد وسوسه، انسان را از راه راست منحرف کرده و او را رها نمی‌کند.

ایجاد وسوسه، یکی از راه‌های انحراف بندگان از راه راست در مسیر زندگی می‌باشد. وسوسه یعنی آراستن. شیطان به خداوند می‌گوید: گناه را در نظر بندگانت آرایش می‌دهم تا زیبا جلوه کند. قوم حضرت موسی، گوساله پرست بودند و جذابیتی که در رنگ و صدای گوساله سامری وجود داشت، او را زیبا می‌ساخت.  احساس انسان در هنگام مشاهده زیبایی و جذابیت، جایگزین عقل او می‌شود. این جذابیت حتی می‌تواند در کلام یک مبلغ دینی باشد و انسان را از خود بیخود سازد، آن گونه که کلام زیبا، بدون تعقل پذیرفته شود. در قرآن آمده است: «**لَأُزَینَنَّ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَلَأُغْوِینَّهُمْ أَجْمَعِینَ**»[[4]](#footnote-4) آن‌قدر گناه را در نظرش آراسته می‌سازم تا او را وادار به انجام آن کنم.

در انسان نیروهایی به صورت استعدادهای نهفته وجود دارد و آشکار ساختن این توانایی‌های پنهان، یکی از کارهای شیطان است. قرآن می‌گوید: **«لِیبْدِی لَهُمَا مَا وُورِی عَنْهُمَا**»[[5]](#footnote-5) تا آنچه را که از دید آن‌ها پنهان است آشکار کند. و در جای دیگر می‌گوید: برای آنکه بدی‌های آن‌ها را به آن‌ها نشان دهد. این بدی‌ها، همان صفاتی هستند که در وجود انسان به صورت نهفته قرار دارند. و شیطان با ایجاد جذابیت، زینت بخشیدن، آرایش، سر و صدا، تکرار و دعوت مستمر، انسان را وسوسه می‌کند و بدی‌های بالقوه را فعلیت می‌بخشد.

قرآن می‌فرماید: «**وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا**»[[6]](#footnote-6) یعنی به نفس انسان هم بدی‌ها و هم خوبی‌ها الهام شده است. شیطان از بدی‌های بالقوه انسان،  برای انحراف او از راه راست و ایجاد وسوسه استفاده می‌کند.

 در یک کلام، وسوسه یعنی آزمایش. قرآن می‌فرماید: «**أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ یتْرَکوا أَنْ یقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا یفْتَنُونَ**»[[7]](#footnote-7)  یعنی آیا مردم گمان می‌کنند اگر گفتند ایمان آورده‌ایم، ما آن‌ها را ترک می‌کنیم و آن‌ها را مورد آزمایش قرار نمی‌دهیم خداوند می‌گوید ما بندگان را در فتنه (به معنی آزمون) می‌اندازیم و آزمایش‌های سختی (مقام، قدرت، مال، منیت، ...) از آن‌ها می‌گیریم تا معلوم شود که آیا عبد و بنده ما هستند یا نه؟

# مفهوم خناس

خناس در لغت به معنی اختفای پس از ظهور است و خنوس به چیزی گویند که آشکار شده و ناگهان می‌گریزد و فرار می‌کند. خناس صیغه مبالغه از خنوس است. یعنی صفت ذکر شده برای خنوس، بشدت در خناس وجود دارد. همچون دزدی که برای نیل به هدف خود ابتدا ظاهر می‌شود و سپس در یک موقعیت خاص، بلافاصله ناپدید می‌گردد.

# دلیل خناس بودن شیطان

خناس به گونه ای نفوذ می‌کند، که کسی متوجه حضور او نشود و اگر در هنگام نفوذ خناس، یاد خدا در دل انسان بدرخشد، خود را پنهان می‌کند و پا به فرار می‌گذارد. او در ابتدا ایجاد وسوسه می‌کند و اگر انسان به وسوسه‌های او توجه نکند، با تکرار و مداومت در ایجاد وسوسه، در گمراه کردن انسان می‌کوشد و در نهایت می‌گریزد. اما چنانچه انسانی تحت تأثیر وسوسه خناس قرار بگیرد، آنچنان قلب او را تاریک می‌سازد که حتی الهام خداوند که به او می‌گوید:  مرا یاد کن تا شیطان را دور سازم، اثری ندارد. زیرا وسوسه‌های شیطان، وجود انسان را به گونه‌ای تسخیر می‌کنند، که بر ذکر خدا رجحان می‌یابند. از این رو خناس بسیار خطرناک است.

قلب انسان مانند خانه ای است که صاحب آن خانه، خداوند رحمان است. هر زمان که صاحب خانه در خانه حضور داشته باشد، هیچ دزدی (شیطانی) اجازه ورود ندارد و چنانچه دزد وارد شود با  مشاهده صاحب خانه پا به فرار گذاشته و ناپدید می‌شود و اما اگر نام خداوند تنها بر زبان ما جاری شود و در قلب ما نباشد، آنگاه شیطان به راحتی وارد خانه دل می‌شود و آن را تصرف می‌کند. از این رو به شیطان خناس می گویند.

# 5. الَّذِی یوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ

(از شر) آن شیطانی که وسوسه و اندیشه بد در دل مردمان می‌افکند.

قلب انسان که حریم الهی است، تنها می‌تواند محل سکونت خدای رحمان باشد و خداوند می‌فرماید: من در زمین و آسمان نمی‌گنجم اما در دل مؤمن (به دلیل وسعتی که دارد)، جای می‌گیرم.

دل انسان به‌محض غفلت از یاد خدا، محل سلطه شیطان می‌شود و هر شیطانی، به شیوه مخصوص خود عمل می‌کند. در هنگام نزول آیه 135 سوره آل‌عمران، این تصور برای شیطان ایجاد شد که باب رحمت الهی گشوده شده است و دیگر بندگان خدا به او گرایشی نخواهند داشت. پس با لشکر خود مشورت کرد تا راهی پیدا کنند. یکی از لشکریان شیطان به نام خناس که مهارت در اغفال بندگان داشت، گفت: راه آن تکرار وسوسه و دعوت به گناه است تا بندگان به‌وسیله تکرار جذبه‌های فریب دهنده توسط ما، از یاد خدا غافل شوند. طبق آیات قرآن، شیاطین دارای سپاه، لشکر، سواره نظام و پیاده نظام هستند و خداوند در قرآن به شیطان می‌گوید: با سواره نظام و پیاده نظام خود، کسانی را که به دنبالت می‌آیند، جلب کن.

شیخ انصاری می‌گوید: شبی شیطان را درحالی‌که ریسمان‌های نازک و ضخیم به گر دن داشت، در خواب دیدم. از او پرسیدم این ریسمان‌ها برای چیست؟ گفت: به وسیله این زنجیرها که هر کدام متعلق به فرد خاصی است، مردم را گمراه می‌کنم. پرسیدم آیا من هم ریسمانی دارم؟ گفت: آری این ریسمان ضخیم و محکم از آن تو می‌باشد،  اما هنوز موفق به تسخیر تو نشده‌ام. پرسیدم ریسمان‌های باریک و ضعیف برای چه کسانی است؟ گفت: برای آن‌هاها که ایمانی ضعیف دارند. پرسیدم این تعداد ریسمان برای این همه انسان کم نیست؟ گفت: عده بسیاری فریب وسوسه‌های مرا می‌خورند و  فقط با یک اشاره به دنبال من می‌آیند و نیازی به ریسمان ندارند.  زنجیرها برای آن‌هایی است که به وسوسه‌های من توجهی ندارند.

وسواس یعنی وسوسه کننده و وسوسه، زینت آلاتی است که ایجاد صدا می‌کنند. نقش شیطان در وسوسه کردن، ایجاد صدا، جذابیت و تداوم در آن‌ها است. شیطان انسان را رها نمی‌سازد، وسوسه‌ها را تکرار می‌کند و با تقویت جذبه‌ها و ایجاد وسوسه، وارد خانهٔ دل می‌شود. خداوند در قرآن به شیطان می‌گوید: چگونه بندگان من را فریب می‌دهی؟ و شیطان می‌گوید: زمین را زینت می‌بخشم و ذهن بندگان را به آن معطوف می‌گردانم و بر آن‌ها مسلط می‌شوم. بنابراین  انسان هنگامی می‌تواند قلب خود را از نفوذ شیطان محفوظ بدارد و به خدا پناه ببرد، که خداوند مالک قلب او باشد.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. اعراف، آیه 43** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. آل عمران، آیه 102** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. فلق، آیه 1** [↑](#footnote-ref-3)
4. . حجر، آیه 39 [↑](#footnote-ref-4)
5. . اعراف، 20 [↑](#footnote-ref-5)
6. . شمس، آیات 7 تا 8 [↑](#footnote-ref-6)
7. . عنکبوت، آیه 2 [↑](#footnote-ref-7)